

# پیامبر اعظم (ﷺ): عدالت و دین باوری، تعقل و آینده‌نگری

نرگس ایزدی

عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

«وما ارسلناک الا کافه للناس» (سبا، ۲۷).

قلمرو رسالت پیامبر اکرم (ﷺ)، گستره جامعه بشری است. در سالی که مزین به نام مبارک «رحمه للعالمین» است، بنا به مقتضیات زمان، سخن از آینده بشریت و نقش این پیامبر در ساماندهی آن، لازم به نظر می‌رسد. پیشرفت‌های شگرف علم، صنعت و تکنولوژی در عصر حاضر و بویژه در سال‌های اخیر، مردم جهان را بیش از هر زمان دیگری به یکدیگر نزدیک کرده است.

آنها فارغ از هر گونه تمایز جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی، تنها با زدن چند کلید رایانه، در اقصی نقاط عالم، با هم ارتباط برقرار می‌نمایند. در صنعت و اقتصاد نیز تعاملات، روزبه روز، فزونی یافته و نزدیک‌تر می‌شود. در این عرصه، یکی از دغدغه‌های مشترک جوامع انسانی «آینده بشریت» است. در این خصوص، نظریات مختلفی مبتنی بر دیدگاه‌های مختلف فلسفی، فیزیکال، جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی مطرح شده است؛ که با صرف‌نظر از تفاوت در مبانی نظری، می‌توان آنها را به دو دسته کلی تقسیم کرد:

## الف - نظریه بدفرجام‌انگار

طرفداران این نظریه، آینده بشریت را به صورت «منفی» به تصویر می‌کشند. یا بدین جهت که خلقت را ذاتاً «شر مرام» و در نتیجه «شرفرجام» می‌دانند؛ یا از این روی که انسان را موجودی «بی‌رحم» می‌شمارند، که اگر روزی قدرت او آن قدر

گسترش یابد که بر سرنوشت جامعه بشری حاکم شود، جهان را به نابودی می‌کشاند. برخی از آنها نیز معتقدند، روزی انفجاری بزرگ، کره زمین را نابود خواهد کرد؛ همچنان که روزی زمین، از انفجاری مهیب پدید آمده است. از این رو فقدان عدالت و رحمت، بشریت را تا عرصه ناامیدی از زندگی آینده رانده است.

### ب - نظریه خوش سرانجام‌انگار

بر اساس این دیدگاه، سرنوشت جامعه بشریت و فرجام هستی، «خوش»، «مطلوب» و «امیدبخش» است. آموزه‌های توحیدی و ادیان، ابراهیم، بر این دیدگاه صحه گذاشته‌اند.

به طور کلی می‌توان گفت، ریشه تمامی فسادها و تباهی‌ها، عدم عدالت باوری و نقصان معنویت و اخلاق در انسان معاصر است. انسان امروز به‌رغم تداعی عقلانیت هنوز به اوج خردمندی نرسیده است از این رو آفات متعددی چون غضب، شهوت و قدرت‌طلبی بر عقل او حاکم است. انسان به صورت فطری، در مسیر تعالی و تکامل فکری، اخلاقی و معنوی در حال حرکت است؛ از این رو «آینده‌ای بس روشن و سعادت‌بخش و انسانی، که در آن شر و فساد از بیخ و بن برکنده خواهد شد، در انتظار بشریت است. این نظریه، الهامی است که دین نوید می‌دهد. پیام مقدس قیام و انقلاب مهدی موعود در اسلام در راستای این الهام است». کلام و سیره نبی اکرم (ﷺ)، در بیشتر موارد، دلالت بر این امر می‌کند که اسلام، مبانی جغرافیایی - سیاسی حاکم بر جهان را مطلوب نمی‌داند، بلکه تمامی زمین پنهاور خدا را وطن انسان می‌شمارد و مشکلات عدیده جوامع بشری را با یک نوع «جهان وطنی» حل می‌کند.

در تفکر شیعی، این موضوع در سایه حکومت جهانی امام عصر(عج)، به وضوح امکان‌پذیر است، که برای تحقق آن لازم است تا بسترسازی مناسبی صورت گیرد و خاستگاه عدالت کلان و جهانی با تلاش بندگان صالح در زمین محقق گردد.

امروزه جوامع بشری، پس از قرن‌ها بی‌اعتنایی و کم‌لطفی به «معنویت و مذهب» دیگر بار رویکردی مثبت بدان نشان داده است. در رأس این گرایشهای معنوی تمایل جوامع را به اسلام شاهدیم که موجب تشویش خاطر معاندان و زمینه‌ساز توطئه‌ها و مزاحمت‌های متعددی برای مسلمانان گردیده است که از بارزترین مصادیق آن اهانت به ساحت مقدس پیامبر اکرم (ﷺ) است که گستره رحمت و هدایت او نه فقط مسلمانان که تمامی انسان‌ها را فرا گرفته است (وما ارسلناک الا

رحمه للعالمین) (انبیاء، ۱۰۷).

روند تکاملی شناخت و معرفت انسان در طول تاریخ، قرائت سازگاری است که به نوعی «رحمه للعالمین» بودن نبی اکرم (ﷺ) را به تصویر می‌کشد و نویدی برای تحقق اخبار غیبی معصومان علیهم‌السلام است.

در روایات متعددی آمده است که «علم» در زمان ظهور حضرت مهدی (عج) پیشرفت شگرفی خواهد داشت و از سوی دیگر فهم و آگاهی انسانها نیز فزونی خواهد یافت. در روایتی از امام باقر (علیه‌السلام) آمده است: «انا قام قائمنا وضع الله یده علی رؤوس العباد فجمع بها عقولهم و کملت به احلامهم»؛ یعنی هنگامی که آن حضرت ظهور نمایند، خداوند دست حضرتش را بر سر انسان‌ها خواهد نهاد، آنگاه فهم و آگاهی آنها تکامل خواهد یافت.

یا در حدیث دیگری از امام باقر (علیه‌السلام) که در «بحارالانوار» جلد ۵۲ آمده است «علم بیست و هفت قسم است که مردم تنها به دو جزء آن پی برده‌اند و در زمان ظهور حضرت مهدی (عج)، بیست و پنج جزء دیگر نیز به دست آن حضرت تحقق خواهد یافت» و در نهایت عدالت کامل با ظهور ایشان جلوه‌گر خواهد شد. چنانچه در روایات مکرر آمده «... یمأ الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً».

بنابراین رشد و توسعه علوم در عرصه‌های نوین، موید باورهای مذهبی بوده و می‌باشد. در این راستا، نمونه‌های فراوانی از کلام و سیره نبوی (ﷺ) می‌توان ذکر کرد، از جمله روایات متعدد و بسیار معروفی که در خصوص تفکر، تدبر و تعقل از ایشان نقل گردیده است و ضرورت عقلانیت را در گسترش عدالت و تعقل

تبیین می‌نماید.

رسول اکرم (ﷺ)، که خود عقل ممثل و صادر اول (عقل کل) بود، بیش از هر چیز بر عاقل شدن مردم تکیه کرده، می‌فرمود «لکل شیء مطیبه و مطیبه المرء العقل» و «لکل شیء غایه و غایه العبادة العقل» و «لکل سفر فسطاة یلجئون الیه و فسطاة المسلمین العقل»؛ یعنی هر پوینده‌ای مرکبی دارد و مرکب انسان عقل اوست. انسان که مسافری است به سوی ابدیت، بدون عقل، در بین راه می‌ماند. مرکب راهوار انسان پویا، عقل اوست. انسان جاهل، ایستا و جامد است و انسان عاقل پویا و به سمت کمال و مودت و عدالت در حرکت است؛ و نیز فرمود هر چیزی هدف و نهایی دارد که باید بدان برسد و هدف عبادت، عقل است. به عبارتی، نشانه عقل عملی است، هدف عبادت، عاقل شدن است؛ و در جمله سوم، فرمود: هر کاروانی خیمه‌ای دارد که به آن خیمه پناه می‌برد و خود را در سایه او از هر خطری حفظ می‌کند، خیمه مسلمانان، عقل است.

اینجاست که رسالت خطیری بر دوش ارباب علم و اندیشه در این مقطع زمانی سنگینی می‌کند تا عدالت و علم، ذکر و فکر، تعبد و تعقل را به عنوان اصول کارآمد با منطقی فراگیر، توسعه دهند؛ تا بشر را در رسیدن به اهداف مقدس جهان‌سازی بر مبنای تعقل، علم و عدالت استمداد نمایند.

مقام معظم رهبری، در خصوص تبیین وظیفه جامعه علمی کشور در عصر کنونی مطالبی فرموده‌اند که قابل تأمل و مسئولیت‌ساز است؛ ایشان بیان داشتند: «تنها راه پیشروی ما، ارتقای کمیت و کیفیت در تولید فکر و علم در حوزه و دانشگاه است و تا وقتی که «تولید» بر ترجمه و تکرار و نیز «اجتهاد» بر تقلید فزونی نیابد، سیر جوامع اسلامی هم چنان قهقرایی خواهد ماند و امت اسلام و ملت ایران به‌رغم همه فداکاری‌ها در صحنه تمدن فرو دست خواهند بود».